

## حق انتخاب حسابرس و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بر اساس نظریه

### انتخاب گلاسر

افشین احمدی لویه \*

دکتر هاشم نیکومرام \*\*

دکتر فریدون رهنمای رودپشتی \*\*\*

دکتر بهمن بنی مهد \*\*\*\*

#### چکیده

در پژوهش حاضر برای نخستین بار به تعیین تاثیر حق انتخاب حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر پرداخته شده است. یافته های حاصل از بررسی های تجربی انجام شده با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی بر روی نمونه ای متشکل از ۱۷۳ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۵ (۱۷۳۰ سال - شرکت) نشان می دهد که مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، بطور معناداری بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می باشد. نتایج پژوهش حاضر برای نخستین بار نشان می دهد که فرایند انتخاب حسابرس در ایران از یک رویکرد فرصت طلبانه تبعیت می کند و این در حالی است که در پژوهشهای قبلی چنین نتیجه ای گزارش نشده است. بنابراین یافته های پژوهش حاضر می تواند به سهامداران شرکتهای سازمان بورس اوراق بهادار کشور در حوزه قانون گذاری، به منظور مقابله با رفتارهای فرصت طلبانه مدیران همچون دستکاری ارقام تعهدی در شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، کمک کند.

#### واژگان کلیدی

حق انتخاب حسابرس، مدیریت سود، ارقام تعهدی، حق انتخاب حسابرس.

---

\* دانشجوی دکتری تخصصی رشته حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
\*\* استاد تمام و عضو هیات علمی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
\*\*\* استاد تمام و عضو هیات علمی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
\*\*\*\* دانشیار و عضو هیات علمی، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

## مقدمه

مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، یعنی دستکاری ارقام تعهدی به منظور اعمال تغییر در سودخالص مورد گزارش که با انگیزه خاصی توسط مدیریت صورت می‌گیرد و موجب کاهش سودمندی اطلاعات مربوط به سود می‌شود (جونز، ۱۹۹۱؛ واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶). یافته‌های بدست آمده از پژوهش‌های قبلی، نشان می‌دهد که ویژگی‌های حسابرسان مستقل، مانند: اندازه حسابرسان، شهرت حسابرسان و غیره بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تاثیر دارد (ری نولدز و فرانسیس، ۲۰۰۰؛ جنکینز و همکاران، ۲۰۰۶). با این وجود مطالعات قبلی به تاثیر حق انتخاب حسابرسان بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، توجهی نکرده‌اند و شواهدی در این زمینه در دسترس نیست. به همین دلیل در پژوهش حاضر کوشش شده است تا تاثیر حق انتخاب حسابرسان بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، به لحاظ تجربی مورد بررسی قرار گیرد.

شواهد بدست آمده از پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که مدیران به دلیل افزایش منافع شخصی خود مانند دریافت پاداش بیشتر، به مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی گرایش دارند (هیلی و همکاران، ۱۹۸۵). این شواهد همچنین نشان می‌دهند که مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، موجب کاهش سودمندی اطلاعات حسابداری (سودخالص گزارش شده)، و انحراف از منافع سهامداران می‌شود (کرسیتی و زیمرمن، ۱۹۹۴؛ هیلی و والن، ۱۹۹۹). مدیران تمایل دارند تا حسابرسان بدون درخواست هرگونه اصلاح، صورتهای مالی را تایید نمایند (تیتن و ترومن، ۱۹۸۹). مدیران به منظور دریافت نظر مساعد از حسابرسان، و همچنین به منظور تایید صورتهای مالی توسط حسابرسان، از قدرت چانه زنی استفاده می‌کنند (محمدرضایی و مهدصالح، ۲۰۱۵). از سوی دیگر حسابرسان تمایل دارند تا رضایت مدیران را، به منظور انتخاب مجدد در حسابرسی‌های بعدی جلب نمایند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۰؛ کنی و همکاران، ۲۰۰۴؛ میدو و شاکلفرد، ۲۰۰۷). با توجه به شواهد فوق، چنین استدلال می‌شود که یکی از دلایل بالابودن مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، و عدم درخواست اصلاح آن توسط حسابرسان، نگرانی حسابرسان در خصوص انتخاب مجدد است. نگرانی حسابرسان در خصوص انتخاب مجدد، در شرایطی وجود دارد که مدیریت صاحبکار از حق انتخاب حسابرسان برخوردار باشد. بنابراین حق انتخاب حسابرسان به لحاظ نظری، یکی از دلایل اصلی نگرانی حسابرسان از بابت انتخاب مجدد، و علت عدم درخواست اصلاح صورتهای مالی از بابت مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی محسوب می‌شود.

گردد. از میان شرکتهای ایرانی که ملزم به حسابرسی صورتهای مالی هستند، برخی شرکتهای از حق انتخاب حسابرس برخوردار می باشند، و برخی دیگر فاقد حق انتخاب حسابرس هستند (شرکتهایی که به موجب قانون توسط سازمان حسابرسی و برخی از موسسات حسابرسی دیگر رسیدگی می شوند). از این رو حسابریان این شرکتهای با نگرانی های ناشی از انتخاب مجدد در حسابرسی های بعدی، مواجه هستند. استدلال پژوهش حاضر این است که مدیران شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، در راستای انتخاب حسابرس، موضوع عدم اصلاح اقلام تعهدی را بعنوان یک معیار انتخاب، مد نظر قرار می دهند. از سوی دیگر با توجه به اینکه حسابریان این شرکتهای با نگرانی های ناشی از انتخاب مجدد مواجه هستند، کوشش می کنند تا در این زمینه با مدیریت همکاری نمایند. به طور ویژه استدلال پژوهش حاضر این است که مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می باشد. با توجه به استدلال فوق پرسش پژوهش حاضر این است که آیا داشتن حق انتخاب حسابرس موجب افزایش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شرکتهای صاحبکار می شود یا خیر.

استدلال ویژه و پرسش پژوهش حاضر با نظریه انتخاب گلاسر مرتبط می باشد. نظریه انتخاب گلاسر بیان می کند که انسان بر اساس منافع شخصی، انتخاب های خود را انجام می دهد. گلاسر (۱۹۹۸)، معتقد است مدیران ذاتا کارگیز بوده و در قرن جدید دارای ژن هایی طمع کار هستند. با توجه به دیدگاه فوق، می توان مدیریت صاحبکار را نیز بعنوان فردی در نظر گرفت که به دنبال افزایش منافع شخصی خود می باشد و در راستای انتخاب حسابرس، به منافع شخصی خود از جمله عدم اصلاح صورتهای مالی (از جمله عدم اصلاح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) توجه می نماید. با توجه به دیدگاه گلاسر حسابرس را نیز می توان بعنوان فردی در نظر گرفت که در انتخاب استراتژی های خود به منافع شخصی خود توجه می کند و در شرایطی که با نگرانی های ناشی از انتخاب مجدد همراه است، کوشش می کند تا خوشایند مدیریت صاحبکار رفتار نماید و در زمینه اصلاح صورتهای مالی، درخواستی را به مدیریت صاحبکار ارائه ندهد. با توجه به منطق موجود در نظریه گلاسر، چنین استنباط می شود که حق انتخاب حسابرس توسط مدیریت صاحبکار، و به دنبال آن نگرانی حسابرس از بابت مسئله انتخاب مجدد و همکاری حسابرس با مدیریت صاحبکار در زمینه عدم اصلاح صورتهای مالی از بابت مدیریت سود، موجب می شود تا مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس،

بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس باشد.

به لحاظ تجربی بررسی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، با مشکلاتی همراه است که اگر نسبت به این مشکلات بی توجه باشیم، تفسیرهای جایگزین (رقیب) یافته های پژوهش را مورد چالش قرار می دهند. در پژوهش حاضر کوشش شده است تا از طریق انجام آزمون های اضافی، تفسیرهای فوق محدود شوند (توضیحات بیشتر در قسمت ۵ ارائه شده است).

پژوهش حاضر، مطالعات قبلی انجام شده در حوزه عوامل تعیین کننده مدیریت سود را توسعه می دهد و بدین ترتیب دانش موجود در حوزه مدیریت سود را ارتقاء می دهد. یافته های پژوهش حاضر، با یافته های بدست آمده از مطالعات قبلی مبنی بر تاثیر ابعاد و شرایط حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی هم راستا است، با این تفاوت که در این پژوهش با تاکید بر نظریه انتخاب گلاس (۱۹۹۸) برای نخستین بار به بررسی و تعیین تاثیر حق انتخاب حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاضر دارای کاربردهای مهمی در زمینه قانون گذاری نیز می باشد. ما به این نتیجه رسیدیم که داشتن حق انتخاب حسابرس موجب ترویج مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در کشور می شود. بنابراین یافته های پژوهش حاضر می تواند به سازمان بورس اوراق بهادار کشور، سازمان حسابرسی کشور و سایر نهادهای حرفه ای در زمینه تدوین مقررات به منظور کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، و افزایش سودمندی اطلاعات حسابداری کمک نماید. هرچند که تدوین قوانین در این حوزه، نیازمند کسب شواهد تجربی بیشتری در این زمینه می باشد.

در ادامه پژوهش حاضر، در قسمت ۲ به چارچوب نظری و تدوین فرضیه پژوهش (پیشینه پژوهش، سابقه نهادی، نظریه پشتیبان، تدوین فرضیه پژوهش) پرداخته شده است. در قسمت ۳ به طرح پژوهش (داده ها، نمونه، تعریف متغیرها و مدل پژوهش) پرداخته شده است. در قسمت ۴ به ارائه یافته های پژوهش پرداخته شده است. در قسمت ۵ یافته های حاصل از آزمون های اضافی به منظور بررسی حساسیت یافته ها و محدود کردن تفسیرهای جایگزین ارائه شده است و نهایتاً در قسمت ۶ به بحث و نتیجه گیری پرداخته شده است.

## چارچوب نظری و تدوین فرضیه پژوهش

### حق انتخاب حسابرِس و سابقه آن در ایران

بازار حسابرسی ایران در ارتباط با شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران، یک بازار تحت نظارت بوده است. زیرا یکی از شرط های اساسی پذیرش شرکتهای در بورس، حسابرسی سالانه صورتهای مالی این شرکتهای می باشد، که این موضوع موجب شده است استفاده از خدمات حسابرسی برای شرکتهای فعال در بورس، اجباری باشد. با این وجود، بازار حسابرسی ایران در ارتباط با شرکتهای فعال در بورس، دو دوره زمانی خاص را تجربه کرده است. دوره اول، دوره قبل از خصوصی سازی، یا دوره انحصار کامل دولتی (قبل از سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) بوده است، و دوره دوم، دوره بعد از خصوصی سازی (بعد از سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) (محمدرضایی و مهدصالح، ۲۰۱۵).

دوره بعد از خصوصی سازی برای بازار حسابرسی ایران، دوره ای بوده است که در راستای اجرای سیاست خصوصی سازی، بازار حسابرسی برای برخی از شرکتهای فعال در بورس از انحصار سازمان حسابرسی خارج گردید. در این دوره بسیاری از شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران از حق انتخاب حسابرِس برخوردار شدند. بنابراین به لحاظ تاریخی، موضوع حق انتخاب حسابرِس، به دوره بعد از خصوصی سازی بازار حسابرسی ایران (سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی به بعد) مربوط می شود.

### ارائه استدلال نظری و تدوین فرضیه پژوهش

ویلیام گلاسر (۱۹۹۸)، در کتاب مشهور خود تحت عنوان نظریه انتخاب، بیان می کند که افراد انتخاب های خود را بر اساس نیازها و منافع شخصی انجام می دهند که این نیازها و منافع، از انگیزه های درونی ریشه می گیرند. گلاسر معتقد است که انسان ها دارای ۵ نیاز اساسی می باشند که عبارتند از: (۱) نیاز به بقا (۲) احساس تعلق (۳) نیاز به قدرت (۴) نیاز به آزادی و خود مختاری و (۵) نیاز به تفریح. دیدگاه گلاسر با بسیاری از دیدگاه های مطرح شده در نظریه های حسابداری سازگار می باشد. بعنوان نمونه بر اساس فرضیه پاداش از نظریه های اثباتی حسابداری، مدیریت فردی فرصت طلب تلقی می شود که اهداف و منافع شخصی خود را تعقیب می کند که این اهداف می تواند مادی (مانند دریافت پاداش بیشتر) و یا غیر مادی (کارگریز بودن و تمایل به داشتن اختیارات تام و دفتر کار مناسب) باشد (اسکات، ۲۰۰۸). بنابراین بر اساس نظریه انتخاب گلاسر استدلال پژوهش حاضر این است که مدیریت شرکت کوشش می کند تا

انتخاب حسابرس را به گونه ای انجام دهد که رفتارهای فرصت طلبانه وی محدود نشود. در مقابل حسابرس منتخب به منظور دستیابی به انتخاب مجدد و افزایش دوره تصدی خود کوشش می کند تا رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت صاحبکار را محدود نکند و در خصوص اصلاح صورتهای مالی (اصلاح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) درخواستی را ارائه نکند. با توجه به استدلال فوق که بر اساس نظریه انتخاب و شواهد بدست آمده از پژوهشهای قبلی در زمینه مسئله انتخاب مجدد ارائه شده است، فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین می گردد:

“با توجه به فرآیند انتخاب حسابرس در شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس و با توجه به نگرانی حسابرسان این شرکتها از بابت مسئله انتخاب مجدد، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می باشد.”

## طرح پژوهش

### داده ها و نمونه پژوهش

به منظور تعیین جامعه آماری در پژوهش حاضر از روش هدفمند (غربالگری و حذف سیستماتیک) استفاده شده است که در مجموع تعداد ۱۷۳ شرکت فعال در بورس بعنوان جامعه آماری در پژوهش حاضر انتخاب شدند. به منظور بهبود کیفیت تحلیل های اقتصادسنجی از تمام این شرکتها بعنوان نمونه پژوهش استفاده شده است. به منظور گردآوری داده ها در راستای اندازه گیری متغیرهای پژوهش، مجموعه صورتهای مالی شرکتهای منتخب (۱۷۳ شرکت در طی ۱۰ سال) از پایگاه اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، و سامانه کدال استخراج شده است. از میان ۱۷۳۰ مشاهده (سال-شرکت)، ۱۲۹۰ سال-شرکت، متعلق به شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، و ۴۴۰ سال-شرکت، متعلق به شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می باشد. جدول ۱ فرایند تعیین نمونه و تعداد مشاهدات را در ارتباط با متغیرهای پژوهش نشان می دهد.

جدول ۱\_ نمونه گیری برای انجام آزمون های تجربی

پنل A: تعیین تعداد نمونه و مشاهدات پژوهش (دوره پژوهش ۱۳۸۶-۱۳۹۵)

تعداد	فرایند محاسبه تعداد نمونه و مشاهدات:
۴۸۸	● تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۱۳۹۵
۱۷۸	شرکتهایی که در بازه زمانی پژوهش بطور مستمر در بورس حضور ندارند
۳۴	(+) شرکتهایی که در خلال دوره پژوهش در بورس پذیرفته شده اند
۵۲	(+) شرکتهایی که دوره مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند نیست و یا در طول دوره پژوهش دوره مالی آنها تغییر کرده است.
۵۰	(+) شرکتهایی که فعالیت آنها در حوزه لیزینگ و واسطه گری مالی و بانکداری و بیمه است
۱	(+) شرکتهایی که از داده های پایه به منظور اندازه گیری متغیرهای پژوهش حاضر برخوردار نیستند
(۳۱۵) ۳۱۵	● (-) مجموع شرکتهایی که حذف شده اند
۱۷۳	= مجموع شرکتهایی که بعنوان جامعه آماری و نمونه در پژوهش حاضر انتخاب شده اند
۱۷۳۰	= تعداد مشاهدات (سال-شرکت) به منظور استفاده در تحلیل نهایی (۱۷۳ شرکت * ۱۰ سال)

پنل B: تفکیک مشاهدات (سال-شرکت) برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرِس (گروه الف) و شرکتهای فاقد حق انتخاب

حسابرِس (گروه ب)

سال	کل	گروه الف	گروه ب
۱۳۸۶	۱۷۳	۱۲۲	۵۱
۱۳۸۷	۱۷۳	۱۲۶	۴۷
۱۳۸۸	۱۷۳	۱۲۹	۴۴
۱۳۸۹	۱۷۳	۱۳۴	۳۹
۱۳۹۰	۱۷۳	۱۳۲	۴۱
۱۳۹۱	۱۷۳	۱۳۳	۴۰
۱۳۹۲	۱۷۳	۱۲۹	۴۴
۱۳۹۳	۱۷۳	۱۲۸	۴۵
۱۳۹۴	۱۷۳	۱۲۹	۴۴
۱۳۹۵	۱۷۳	۱۲۸	۴۵
تعداد مشاهدات	۱۷۳۰	۱۲۹۰	۴۴۰
نسبت مشاهدات	۱	۰,۷۵	۰,۲۵

مدل تجربی پژوهش و تعریف متغیرها

به منظور آزمون فرضیه پژوهش ابتدا به پیروی از نظریه انتخاب گلاسر (۱۹۹۸)، و پژوهش محمد رضایی و مهدصالحی (۲۰۱۵)، مدل اولیه پژوهش (معادله ۱)، که نشان دهنده ارتباط میان متغیرهای پژوهش است، را مد نظر قرار داده و سپس مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) را تدوین نموده ایم. معادله (۲) نشان

دهنده مدل رگرسیون خطی با رویکرد حداقل مربعات معمولی (OLS) می باشد. از میان پارامترهای معادله ۲،  $\beta_1$  از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و چنانچه پس از برآورد مدل، این پارامتر مثبت و معنادار باشد شواهدی در راستای تایید فرضیه پژوهش بدست خواهد آمد. جدول ۲ نشان دهنده تعریف متغیرهای معادله ۲ (مدل اصلی پژوهش) است.

## معادله (۱)

$$EM = f(\text{Roach, Size, Invrec, CASH, Liq, LEV, MTB, Ope, OI, ROA, SG, Loss, Inst-Own, Pol-Own, Gov-Own, Audit, AudP, Audch, CHM, Age, Sub, Auo, Mfd})$$

## معادله (۲)

$$EM_{i,t} = a + \beta_1 \text{Roach}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{Invrec}_{i,t} + \beta_4 \text{CASH}_{i,t} + \beta_5 \text{Liq}_{i,t} + \beta_8 \text{LEV}_{i,t} + \beta_9 \text{MTB}_{i,t-1} + \beta_{10} \text{Ope}_{i,t} + \beta_{11} \text{OI}_{i,t} + \beta_{12} \text{ROA}_{i,t} + \beta_{13} \text{SG}_{i,t} + \beta_{14} \text{Loss}_{i,t} + \beta_{15} \text{Inst-Own}_{i,t} + \beta_{16} \text{Pol-Own}_{i,t} + \beta_{17} \text{Gov-Own}_{i,t} + \beta_{21} \text{Audit}_{i,t} + \beta_{18} \text{AudP}_{i,t} + \beta_{19} \text{Audch}_{i,t} + \beta_{20} \text{CHM}_{i,t} + \beta_{21} \text{Age}_{i,t} + \beta_{22} \text{Sub}_{i,t} + \beta_{23} \text{Auo}_{i,t} + \beta_{24} \text{Mfd}_{i,t} + \Sigma \text{IndustryDum} + \Sigma \text{YearDum} + \epsilon$$

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف
متغیر وابسته:	
$EM_{i,t}$	عبارت است از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی که بر اساس 4 معیار شامل: ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل جونز (EMJ)، ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل اسلوان و همکاران (EMS)، ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کازنیک (EMKZ)، ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کوتاری و همکاران (EMKO) اندازه گیری می شود.
متغیر آزمون:	
$ROACH_{i,t}$	عبارت است از حق انتخاب حسابرس (چنانچه شرکت $i$ در سال $t$ از حق انتخاب حسابرس برخوردار باشد برابر با یک و غیراینصورت برابر با صفر است).
متغیرهای کنترلی:	
$SIZE_{i,t}$	عبارت است از اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل داراییهای شرکت).
$Invrec_{i,t}$	عبارت است از حاصل جمع موجودیها و حسابهای دریافتی تقسیم بر کل داراییها.
$CASH_{i,t}$	عبارت است از مانده وجه نقد در پایان سال تقسیم بر جمع داراییهای شرکت در پایان سال مالی.
$Liq_{i,t}$	عبارت است از نسبت جاری (داراییهای جاری تقسیم بر بدهی جاری)
$LEV_{i,t}$	عبارت است از نسبت بدهی (کل بدهی تقسیم بر کل داراییها)
$MTB_{i,t-1}$	عبارت است از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در سال قبل.



عبارت است از نسبت هزینه های عملیاتی به ارزش دفتری کل داراییها در پایان سال مالی.	Ope <sub>i,t</sub>
عبارت است از نسبت سود(زیان)عملیاتی به فروش شرکت در پایان سال مالی.	OI <sub>i,t</sub>
عبارت است از نرخ بازده دارایی(سود عملیاتی تقسیم بر ارزش دفتری کل داراییها)	ROA <sub>i,t</sub>
عبارت است از نرخ رشد فروش (تفاوت فروش دوره جاری و دوره قبل تقسیم بر فروش جاری)	SG <sub>i,t</sub>
عبارت است از متغیر مصنوعی زیان دهی (چنانچه شرکت در سال t زیان گزارش نموده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است)	Loss <sub>i,t</sub>
عبارت است از مالکیت نهادی(تعداد سهام تحت تملک مالکان نهادی تقسیم بر کل تعداد سهام شرکت).	Inst-Own <sub>i,t</sub>
عبارت است از مالکیت سیاسی(تعداد سهام تحت تملک نهادهای دولتی تقسیم بر کل تعداد سهام شرکت).	Pol-Own <sub>i,t</sub>
عبارت است از مالکیت دولتی(تعداد سهام تحت تملک نهادهای سیاسی تقسیم بر کل تعداد سهام شرکت).	Gov-Own <sub>i,t</sub>
عبارت است از متغیر مصنوعی کیفیت حسابرس(اگر حسابرس شرکت از حسابرسان معتمد تراز اول سازمان بورس(به غیر از سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبر) باشد، برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است).	Audit <sub>i,t</sub>
عبارت است از دوره تصدی حسابرس(برابر است با تعداد سالهای همکاری حسابرس با شرکت در زمینه ارائه خدمات گواهی).	AudP <sub>i,t</sub>
عبارت است از متغیر مصنوعی تغییر حسابرس (چنانچه حسابرس شرکت نسبت به سال قبل تغییر کرده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است)	Audch <sub>i,t</sub>
عبارت است از متغیر مصنوعی تغییر مدیریت (چنانچه مدیریت شرکت نسبت به سال قبل تغییر کرده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است).	CHM <sub>i,t</sub>
عبارت است از سن شرکت (تعداد سالهای فعالیت شرکت)	Age <sub>i,t</sub>
عبارت است از واحد فرعی بودن که به منظور کنترل اثرات مفهوم کنترل در مدل پژوهش تصریح شده است(چنانچه صاحبکار واحد فرعی باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود)	Sub <sub>i,t</sub>
عبارت است از سازمان حسابرسی که منظور کنترل اثرات ویژه حسابرسی های انجام شده توسط این حسابرس در مدل تصریح شده است(چنانچه حسابرسی شرکت i در دوره t توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود).	Auo <sub>i,t</sub>
عبارت است از موسسه حسابرسی مفید راهبر که منظور کنترل اثرات ویژه حسابرسی های	Mfd <sub>i,t</sub>

انجام شده توسط این حسابرس در مدل تصریح شده است (چنانچه حسابرسی شرکت  $i$  در دوره  $t$  توسط نوسسه حسابرسی مفید راهبر انجام شده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود).

IndustryDum عبارت است از متغیر ساختگی نوع صنعت به منظور کنترل اثرات صنعت در مدل پژوهش .  
YearDum عبارت است از متغیر ساختگی سال به منظور کنترل اثرات سال در مدل پژوهش .

### معیارهای جایگزین برای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (متغیر وابسته)

معیار های مورد استفاده به منظور اندازه گیری مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در پژوهش حاضر، به پیروی از جونز (۱۹۹۱)، اسلوان و همکاران (۱۹۹۵)، کازنیک (۱۹۹۹)، کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، اقلام تعهدی اختیاری می باشد که بر اساس ۴ معیار شامل: اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل جونز، اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل اسلوان و همکاران، اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کازنیک، اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کوتاری و همکاران عملیاتی می شود (به علت محدودیت حجم مقاله از تصریح مدل های مربوط به اندازه گیری مدیریت سود، اجتناب شده است).

### حق انتخاب حسابرس (متغیر آزمون)

متغیر آزمون در پژوهش حاضر حق انتخاب حسابرس می باشد که به منظور عملیاتی نمودن آن از مفهوم کنترل استفاده شده است. شرکتهای فعال در بورس بر اساس مفهوم کنترل به ۴ دسته تقسیم می شوند. ۱- شرکتهای تحت کنترل سیاسی ۲- شرکتهای تحت کنترل دولتی ۳- شرکتهای تحت کنترل خصوصی (غیر سیاسی و غیر دولتی) ۴- شرکتهایی مستقل (شرکتهایی که تحت کنترل یک شرکت دیگر نیستند و واحد فرعی محسوب نمی شوند). به منظور طبقه بندی شرکتهای نمونه به چهار گروه فوق بر اساس مفهوم کنترل، به یادداشتهای توضیحی همراه صورتهای مالی توجه شده است، زیرا در یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی شرکتهای فعال در بورس، فرعی بودن یا نبودن این شرکتهای، و در صورت فرعی بودن، نام واحد اصلی نهایی که تهیه کننده صورتهای مالی تلفیقی است، مشخص شده است، که می توان دولتی بودن، سیاسی بودن و یا خصوصی بودن واحد اصلی نهایی را بدین ترتیب تشخیص داد و در نهایت شرکتهای را به ۴ گروه مذکور طبقه بندی نمود. پس از انجام طبقه بندی، شرکتهای گروه اول و شرکتهای گروه دوم به عنوان شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس و شرکتهای گروه سوم و چهارم بعنوان شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس در نظر گرفته شده اند. در پایان مراحل فوق متغیر حق انتخاب حسابرس، بصورت یک متغیر ساختگی در نظر گرفته شده است، به گونه ای که برای شرکتهای دارای

حق انتخاب حسابرِس برابر با یک، و برای شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرِس برابر با صفر می باشد.

### متغیرهای کنترلی و دلایل انتخاب آنها

پژوهشهای قبلی انجام شده در حوزه مدیریت سود مانند جری و همکاران (۲۰۱۰)، اینام و همکاران (۲۰۱۲)، احمد و همکاران (۲۰۱۷)، و غیره نشان داده اند که مدیریت سود مبتنی بر اِقلام تعهدی تحت تاثیر عوامل مختلفی همچون: اندازه شرکت، نسبت موجودیها، و غیره قرار می گیرد. به همین دلیل در پژوهش حاضر متغیرهای فوق در راستای برآورد مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) مورد کنترل قرار گرفته اند. علاوه بر موارد فوق در مدل اصلی پژوهش به پیروی از فاما و فرنچ (۱۹۹۷)، اثرات صنعت و سال نیز بصورت متغیرهای ساختگی مورد کنترل قرار گرفته اند.

### یافته های تجربی پژوهش

#### آمار توصیفی و تحلیل همبستگی در ارتباط با متغیرهای پژوهش

پنل A از جدول ۳ آماره های توصیفی مرتبط با متغیرهای پیوسته پژوهش را در سطح کل نمونه، نشان می دهد. مقدار میانگین (میانۀ) در ارتباط با معیارهای جایگزین متغیر مدیریت سود مبتنی بر اِقلام تعهدی یعنی EMKO، EMKZ، EMS، EMJ، به ترتیب برابر با ۰.۱۵ (۰.۱۴)، ۰.۱۳ (۰.۱۱)، ۰.۱۳ (۰.۱۲)، ۰.۱۰ (۰.۰۹)، می باشد. مقادیر فوق با پژوهشهای قبلی انجام شده در حوزه مدیریت سود از جمله پژوهشهای انجام شده توسط انصاری و همکاران (۱۳۹۳)، کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳)، ودیعی و همکاران (۱۳۹۳) و غیره مطابقت دارد.

پنل B از جدول ۴ ضرایب همبستگی دو طرفه پیرسون را در ارتباط با برخی از متغیرهای مورد استفاده در تحلیل های تجربی گزارش می کند (ضرایب همبستگی سایر متغیرها به دلیل وجود محدودیت در اندازه جدول ارائه نشده است). علاوه بر آمار توصیفی و ماتریس همبستگی پیرسون، در این مرحله از پژوهش، آزمون T مستقل در ارتباط با مقایسه متغیرهای پیوسته پژوهش، و آزمون U من ویتنی در ارتباط با مقایسه متغیرهای دو ارزشی پژوهش، در بین شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرِس (Roach) و شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرِس (UnRoach) انجام شده. یافته های حاصل از آزمون های فوق نشان می دهد که تفاوت میانگین ۴ معیار مدیریت سود مبتنی بر اِقلام تعهدی، در بین شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرِس و شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرِس در سطح ۰.۰۱ معنی دار است (یافته های حاصل از آزمون های U و T به دلیل وجود محدودیت در اندازه جداول ارائه نشده است).

جدول ۳: آمار توصیفی

Full Sample( <i>Obs=1730</i> )					
Mean	Median	STD	Min	Max	Variable
پنل A: آماره های توصیفی برای متغیرهای پیوسته مورد استفاده در تحلیل های تجربی					
0.15	0.14	0.06	0.00	0.44	EMJ <sub>i,t</sub>
0.13	0.11	0.04	0.00	0.39	EMS <sub>i,t</sub>
0.13	0.12	0.05	0.00	0.42	EMKZ <sub>i,t</sub>
0.10	0.09	0.07	0.00	0.36	EMKO <sub>i,t</sub>
13.54	13.45	1.25	11.49	16.33	SIZE <sub>i,t</sub>
0.46	0.47	0.19	0.12	0.78	Invrec <sub>i,t</sub>
0.03	0.02	0.03	0.00	0.11	CASH <sub>i,t</sub>
1.32	1.22	0.55	0.55	2.81	Liq <sub>i,t</sub>
0.60	0.62	0.17	0.27	0.90	LEV <sub>i,t</sub>
2.18	1.84	1.37	0.51	5.54	MTB <sub>i,t-1</sub>
0.05	0.04	0.03	0.01	0.13	Ope <sub>i,t</sub>
0.19	0.16	0.14	-0.04	0.49	OI <sub>i,t</sub>
0.14	0.12	0.10	-0.03	0.38	ROA <sub>i,t</sub>
0.17	0.15	0.28	-0.32	0.82	SG <sub>i,t</sub>
70.57	80.48	27.25	6.54	97.40	Inst-Own <sub>i,t</sub>
0.05	0	0.13	0	0.52	Pol-Own <sub>i,t</sub>
0.47	0.55	0.33	0	0.93	Gov-Own <sub>i,t</sub>

پنل B: ماتریس همبستگی پیرسون برای متغیرهای مورد استفاده در تحلیل های تجربی

Variable	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1-Roach <sub>i,t</sub>	1									
2-EMJ <sub>i,t</sub>	0,05*	1								
3-EMS <sub>i,t</sub>	0,02*	0,97*	1							
4-EMKZ <sub>i,t</sub>	0,02*	0,64*	0,66*	1						
5-EMKO <sub>i,t</sub>	0,03*	0,89*	0,91*	0,48*	1					
6-SIZE <sub>i,t</sub>	-0,13*	0,08**	0,08**	0,06**	0,07**	1				
7-Invrec <sub>i,t</sub>	0,19	0,01**	0,01**	0,04**	0,00**	-0,03**	1			
8-CASH <sub>i,t</sub>	-0,48*	0,02**	0,02**	0,04**	0,01**	0,02	-0,06**	1		
9-Liq <sub>i,t</sub>	-0,25*	0,01**	0,00**	0,06**	0,01**	-0,09*	-0,01**	0,04*	1	
10-LEV <sub>i,t</sub>	-0,03	0,02**	0,02**	0,10**	0,01**	-0,05**	-0,02	0,04	0,15	1

### تاثیر حق انتخاب حسابرِس بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

جدول ۴ یافته های حاصل از برآورد معادله ۲ را نشان می دهد. به منظور آزمون فرضیه پژوهش ما از رگرسیون OLS استفاده کردیم. داده های مربوط به متغیرهای پیوسته در راستای کاهش تاثیر داده های پرت در سطح ۰.۰۱، Winsorising شده اند. خطاهای استاندارد با استفاده از روش White-Huber تصحیح شده اند تا مشکل ناهمسانی واریانس خطاها برطرف شود.

در این جدول متغیر وابسته مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (EM) است که با استفاده از معیارهای جایگزین EMJ، EMS، EMKZ، EMKO عملیاتی شده است. متغیر مستقل جدول نیز حق انتخاب حسابرِس (Roach) می باشد. همانطور که ملاحظه می گردد متغیر Roach بطور مثبت و معنی داری با معیارهای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شامل: EMJ، EMS، EMKZ، EMKO مرتبط می باشد و ضریب (آماره t) در ارتباط با آن به ترتیب برابر با ۰.۰۲ (۲.۵۴)، ۰.۰۳ (۲.۶۰)، ۰.۰۵ (۲.۸۴)، ۰.۰۲ (۲.۷۱) است (برآورد مدل پژوهش در ارتباط با معیارهای EMKZ و EMKO به دلیل محدودیت در اندازه جدول ارائه نشده است). یافته های فوق شواهدی را در راستای تایید فرضیه پژوهش فراهم می نماید و نشان می دهد که اقلام تعهدی اختیاری شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرِس، بطور معناداری بیشتر از اقلام تعهدی اختیاری شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرِس می باشد.

جدول 4: تاثیر حق انتخاب حسابرس بر معیارهای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (EMS، EMJ)

variable	Pre	EMJ		EMS	
		Coef	t-stat	Coef	t-stat
Intercept		-0,02	-0,78	-0,02	-0,02
Roach <sub>i,t</sub>	+	<b>0,02</b>	<b>2,84*</b>	<b>0,03</b>	<b>2,68*</b>
SIZE <sub>i,t</sub>	+	3,24	2,02**	0,01	2,25**
Invreci <sub>t</sub>	?	0,08	3,07*	0,06	3,84*
CASH <sub>i,t</sub>	+	0,14	2,52**	0,12	2,18**
Liq <sub>i,t</sub>	+	0,02	4,10*	0,02	3,16*
LEVI <sub>t</sub>	+	0,03	2,27**	0,04	2,57*
MTBi <sub>t-1</sub>	+	0,01	2,79*	0,01	2,55*
Ope <sub>i,t</sub>	?	-0,08	-3,32*	-0,09	-4,87*
OI <sub>i,t</sub>	+	0,01	2,56*	0,01	3,10*
ROAi <sub>t</sub>	-	-0,02	-2,93*	-0,01	-3,59*
SGi <sub>t</sub>	+	0,02	3,65*	0,02	4,01*
Loss	+	0,04	6,45*	0,05	2,36**
Inst-Own <sub>i,t</sub>	?	-1,57	-2,19**	-2,99	-2,72*
Pol-Own <sub>i,t</sub>	-	-0,01	-2,96*	-0,02	-3,07*
Gov-Own <sub>i,t</sub>	-	-0,01	-2,61**	-0,01	-2,15*
Audit <sub>i,t</sub>	-	-0,01	-3,32*	-0,01	-2,07**
Audp <sub>i,t</sub>	+	0,01	2,74*	0,01	2,91*
Audch <sub>i,t</sub>	?	0,00	0,11	0,01	0,58
CHMi <sub>t</sub>	+	0,06	9,91*	0,07	5,12*
Agei <sub>t</sub>	?	0,00	0,02	0,00	0,69
Sub <sub>i,t</sub>	?	0,01	1,92	0,01	0,43
Auo <sub>i,t</sub>	-	-0,01	-4,58*	-0,01	-2,58*
Mfd <sub>i,t</sub>	-	-0,00	-3,64*	-0,01	-3,34*
IND-Dummy		<b>yes</b>		<b>yes</b>	
Year-Dummy		<b>yes</b>		<b>yes</b>	
Number of Obs		1730		1730	
F Value		8,13*		8,78*	
Adj R		0,10		0,10	
DW Stat		1,71		1,70	
JB Stat		22,84		16,52	
BG Stat		0,14		0,18	
Whit Stat		1,42		1,34	

جدول 5 نشان دهنده برآورد معادله 2 برای بررسی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر معیارهای مدیریت سود در ارتباط 1730 مشاهده (سال-شرکت) می باشد. تمام متغیرها در جدول 2 تعریف شده اند. متغیرهای پیوسته در سطح 0.01 وینزورایز شده اند. \* و \*\* و \*\*\* به ترتیب نشان دهنده معنی دار بودن ضرایب متغیرها در سطح 0.01 و 0.05 و 0.10 می باشد.

## آزمون های پشتیبان اضافی به منظور تحلیل حساسیت یافته ها

### بکارگیری روش دو مرحله ای همکن برای مشکل درون زایی متغیر آزمون

تبیین حق انتخاب حسابرِس بر اساس مفهوم کنترل موجب می شود تا متغیر حق انتخاب حسابرِس یک متغیر مستقل درون زا باشد و تورش ناشی از خودگزینشی<sup>۱</sup> یافته های پژوهش حاضر را مورد چالش قرار دهند. به منظور مقابله با تورش ناشی از خودگزینشی، از روش دو مرحله ای همکن (۱۹۷۹) استفاده شده است. در این روش ابتدا یک مدل رگرسیون باینری-پرویت (مدل انتخاب) مورد برآورد قرار می گیرد. در مدل مورد نظر متغیر وابسته، حق انتخاب حسابرِس (متغیر آزمون پژوهش)، و متغیرهای توضیحی، متغیرهای کنترلی تصریح شده در مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) هستند. پس از برآورد مدل فوق، نسبت معکوس میلز (Imills) بر اساس ضرایب مدل انتخاب محاسبه شدند، و از آن بعنوان یک متغیر کنترلی در مدل اصلی پژوهش استفاده شده است. در مرحله دوم مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) با تصریح نسبت معکوس میلز مورد برآورد قرار گرفته است.

مدل انتخاب که نسبت معکوس میلز بر اساس آن ایجاد شده است به شرح معادله ۳ می باشد.

#### معادله (۳)

$$ROACH_{i,t} = a + \beta_1 Size_{i,t} + \beta_2 Invrec_{i,t} + \beta_3 CASH_{i,t} + \beta_4 Liq_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t-1} + \beta_7 Ope_{i,t} + \beta_8 OI_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} SG_{i,t} + \beta_{11} Loss_{i,t} + \beta_{12} Inst-Own_{i,t} + \beta_{13} Pol-Own_{i,t} + \beta_{14} Gov-Own_{i,t} + \beta_{15} Audit_{i,t} + \beta_{16} AudP_{i,t} + \beta_{17} Audch_{i,t} + \beta_{18} CHM + \beta_{19} Age + \beta_{20} Sub_{i,t} + \beta_{21} Aou_{i,t} + \beta_{22} Mfd_{i,t} + \Sigma IndustryDum + \Sigma YearDum + \epsilon$$

یافته های حاصل از برآورد مدل اصلی پژوهش، همراه با کنترل نسبت معکوس میلز به شرح جدول ۵ می باشد. همانطور که ملاحظه می گردد ضریب نسبت معکوس میلز در سطوح ۰.۰۱ و ۰.۰۵ و ۰.۱۰ معنی دار نیست. این یافته ها از عدم انتخاب تصادفی حق انتخاب حسابرِس و عدم درون زایی این متغیر پشتیبانی می کنند و نشان می دهند که یافته های حاصل از برآورد مدل پژوهش که در جدول ۴ ارائه شده است قابل اتکاء می باشد (یافته های حاصل از بررسی مشکل درون زایی در ارتباط با معیارهای EMKZ و EMKO به دلیل محدودیت در اندازه جدول ارائه نشده است).

<sup>1</sup> Self Selection Bias

جدول 5: تاثیر حق انتخاب حسابرس بر معیارهای مدیریت سود همراه با کنترل نسبت معکوس میلز (Imills)

variable	Pre	EMJ		EMS	
		Coef	t-stat	Coef	t-stat
Intercept		0,01	0,78	-0,00	-0,07
Roach <sub>i,t</sub>	+	<b>0,02</b>	<b>2,43**</b>	<b>0,02</b>	<b>2,73**</b>
SIZE <sub>i,t</sub>	+	2,51	2,65**	0,01	2,82**
Invreci,t	?	0,04	4,82*	0,01	5,09*
CASH <sub>i,t</sub>	+	0,01	3,28*	0,14	3,44*
Liqi,t	+	0,08	4,92**	0,03	2,00**
LEVi,t	+	0,01	2,62**	0,02	3,64*
MTBi,t-1	+	0,01	2,51**	0,02	1,89**
Ope <sub>i,t</sub>	?	-0,11	-4,19*	-0,06	-5,05*
OI <sub>i,t</sub>	+	0,08	2,31**	0,00	2,62**
ROAi,t	-	-0,05	-2,62**	-0,02	-1,03
SGi,t	+	0,06	2,46**	0,03	3,24**
Lossi,t	+	0,02	7,62*	0,02	4,18*
Inst-Own <sub>i,t</sub>	?	-0,28	-2,44**	-1,42	-1,86**
Pol-Own <sub>i,t</sub>	-	-0,03	-2,89**	-0,09	-2,71**
Gov-Own <sub>i,t</sub>	-	-0,03	-2,38**	-0,02	-7,16*
Audit <sub>i,t</sub>	-	-0,01	-4,62**	-0,02	-2,92**
Audp <sub>i,t</sub>	+	0,02	2,82**	0,03	3,11*
Audch <sub>i,t</sub>	?	0,01	0,23	0,02	0,58
CHMi,t	+	0,06	8,15*	0,09	8,04*
Agei,t	?	0,00	2,98	0,01	0,61
Sub <sub>i,t</sub>	?	0,00	0,87	0,00	0,58
Auo <sub>i,t</sub>	-	-0,01	-5,42*	-0,01	-7,02*
Mfd <sub>i,t</sub>	-	-0,01	-4,25**	-0,00	-4,05*
<b>Imills</b>	<b>?</b>	<b>0,01</b>	<b>1,59</b>	<b>0,01</b>	<b>1,39</b>
IND-Dummy			<b>yes</b>		<b>yes</b>
Year-Dummy			<b>yes</b>		<b>yes</b>
Number of Obs			1730		1730
F Value			7,91*		8,82*
Adj R			0,10		0,11
DW Stat			1,71		1,71
JB Stat			18,65		16,52
BG Stat			0,20		0,18
Whit Stat			1,83		1,41

- جدول فوق نشان دهنده یافته های حاصل از برآورد معادله 2 پس از کنترل نسبت معکوس میلز می باشد. تعریف متغیرها مطابق با جدول 2 می باشد. مشاهدات مربوط به متغیرهای پیوسته در سطح 0.01 وینزورایز شده اند. تعداد مشاهدات برابر با 1730 سال- شرکت می باشد. \* و \*\* و \*\*\* به ترتیب نشان دهنده معنی دار بودن ضرایب متغیرها در سطح 0.01 و 0.05 و 0.10 می باشد.



## سایر تحلیل های اضافی

یکی از تحلیل های اضافی مورد استفاده در پژوهش حاضر استفاده از رویکرد همسان سازی بر اساس نمرات گرایش (PSM) می باشد. بطور ویژه ما شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرِس را بعنوان گروه تجربه مدنظر قرار دادیم، سپس با استفاده از رویکرد PSM یک گروه کنترل متشکل از شرکتهایی که از نظر ویژگی های شرکتی دارای بیشترین شباهت به شرکتهای گروه تجربه هستند (اما فاقد حق انتخاب حسابرِس هستند) را ایجاد نمودیم. سپس به منظور بررسی تاثیر حق انتخاب حسابرِس بر مدیریت سود، مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) را بر روی نمونه جدید (شامل گروه تجربه و گروه کنترل جدید) مورد برآورد مجدد قرار دادیم. یافته های حاصل از این تحلیل نشان می دهند که متغیر حق انتخاب حسابرِس بطور مثبت و معناداری با معیارهای مدیریت سود در ارتباط می باشد. این یافته ها از یافته های اصلی پژوهش پشتیبانی می کند (یافته های بیشتر و جداول مرتبط با بکارگیری رویکرد PSM به دلیل محدودیت در حجم مقاله ارائه نشده اند).

تحلیل اضافی دیگر که در پژوهش حاضر انجام شده است، تحلیل زیر نمونه می باشد. در این تحلیل به منظور خنثی نمودن تاثیر حسابرِسی های انجام شده توسط سازمان حسابرِسی و موسسه حسابرِسی مفید راهبر، مدل اصلی پژوهش صرفاً بر روی مشاهداتی که توسط سازمان حسابرِسی و موسسه مفید راهبر مورد حسابرِسی قرار گرفته اند، برآورد شده است. یافته های این تحلیل نشان می دهد که متغیر حق انتخاب حسابرِسی دارای اثری مثبت و معنادار بر معیارهای مدیریت سود است. یعنی از میان صاحبکاران سازمان حسابرِسی و موسسه حسابرِسی مفید راهبر، مدیریت سود مبتنی بر اِقالَم تعهدی برای صاحبکارانی که از حق انتخاب حسابرِس برخوردار بوده اند، بیشتر از سایر صاحبکاران می باشد.

## نتیجه گیری و بحث

در پژوهش حاضر به بررسی تجربی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در ارتباط با نمونه ای متشکل از ۱۷۳ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۵ (۱۷۳۰ سال- شرکت) پرداخته شده است. پرسش پژوهش حاضر این است که: آیا داشتن حق انتخاب حسابرس موجب ترویج مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکتهای صاحبکار می شود یا خیر. به لحاظ نظری پرسش پژوهش حاضر با نظریه انتخاب گلاسر (۱۹۹۸) در ارتباط می باشد. به منظور بررسی تجربی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر مدیریت سود، از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شد. یافته های حاصل از برآورد مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی نشان می دهد که داشتن حق انتخاب حسابرس توسط شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران موجب افزایش ارقام تعهدی اختیاری این شرکت ها می شود. یافته های پژوهش حاضر دارای دستاوردهای مختلفی می باشد و برای نخستین بار شواهدی را پیرامون تاثیر حق انتخاب حسابرس بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی ارائه کرده است. نتایج پژوهش حاضر برای نخستین بار نشان می دهد که فرایند انتخاب حسابرس در ایران از یک رویکرد فرصت طلبانه تبعیت می کند و این در حالی است که در پژوهشهای قبلی چنین نتیجه ای گزارش نشده است. شواهد بدست آمده در پژوهش حاضر یافته های بدست آمده از پژوهشهای قبلی که در راستای تعیین عوامل موثر بر مدیریت سود انجام شده است را توسعه داده است. به لحاظ کاربردی، پژوهش حاضر شواهد جدیدی به منظور شناخت شرکتهایی که میل بیشتری به دستکاری ارقام تعهدی دارند را برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی به ویژه سرمایه گذاران و سازمان بورس اوراق بهادار کشور فراهم نموده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین ارقام تعهدی اختیاری شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس و شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرسی، تفاوت آشکاری وجود دارد، که این تفاوت ناشی از حق انتخاب حسابرس می باشد. ما به این نتیجه رسیدیم که داشتن حق انتخاب حسابرس موجب ترویج رفتار فرصت طلبانه مدیران در کشور می شود. بنابراین یافته های پژوهش حاضر می تواند به سرمایه گذاران و سازمان بورس اوراق بهادار کشور در حوزه قانون گذاری، به منظور مقابله با رفتارهای فرصت طلبانه مدیران همچون دستکاری ارقام تعهدی شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، کمک کند. بعنوان نمونه سازمان بورس اوراق بهادار کشور می تواند از مجرای قانون حق انتخاب حسابرس را از شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس سلب نماید و در مقابل خود راسا حسابرس این

شرکتها را تعیین کند. با این وجود تدوین قوانین در این حوزه، نیازمند کسب شواهد تجربی بیشتری می باشد. هرچند نتایج پژوهش حاضر محدود به شرکتهای ایرانی است اما نتایج آن می تواند توسط سایر کشورها نیز در زمینه کاهش اقلام تعهدی اختیاری مورد استفاده قرار گیرد.

## فهرست منابع

- ابراهیمی کردلر، علی و سید عزیز سیدی (۱۳۸۷)، "نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۵، صص ۱۶-۳.
- اعتمادی، حسین و عادل آذر (۱۳۸۹)، "بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی"، شماره ۱، صص ۲۸-۹.
- انصاری، عبدالمهدی و علیرضا خودرشدی (۱۳۹۳)، "بررسی تاثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود بر نقدشوندگی سهام و ارزش شرکت"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۱، صص ۵۳-۴۱.
- ایزدی نیا، ناصر و مهدی میرزایی (۱۳۹۳)، "تاثیر ارزشگذاری بالای سهام بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۵، صص ۹۶-۷۳.
- خانی، عبدالله و کریم ایمانی (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابرسی، شماره ۵۱، صص ۲۵-۱.
- کرمی، غلامرضا و آمنه بذرافشان (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود"، مجله دانش حسابداری، شماره ۴، صص ۸۲-۶۵.
- مشایخی، بیبا و ساسان مهرانی (۱۳۸۴)، "نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۷۴-۶۱.
- ملاایمنی، وحید و محمد مرفوع (۱۳۹۳)، "رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تاخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۵، صص ۸۰-۵۹.
- ودیدی، محمد حسین و فرهاد عظیمی فر (۱۳۹۱)، "ارزشگذاری بالای حقوق صاحبان سهام و ارتباط آن با اقلام تعهدی اختیاری"، پیشرفتهای حسابداری دانشگاه شیراز، شماره ۶۳، صص ۲۰۳-۱۷۹.

- Ahmed, K. & Nurul Huqe, M. (2017). Audit Quality, Earnings Management, and Cost of Equity Capital: Evidence from India. *International Journal of Auditing*, 177-189.
- Chen, C. Y., Lin, C. J. and Lin, Y. C. (2004). "Audit partner tenure, audit firm tenure and discretionary accruals; does long auditor tenure impair earning quality?" *Working paper*, Hong Kong University of Science and Technology.
- Dechow, M. P. Hutton, Kim, J. & G. Sloan, (2011), "Detecting Earnings Management: A New Approach", workshop participants at the University of Arizona, Brigham Young University, the University of Houston, the University of Texas at Austin, the University of Washington and UCLA.

- Fama, E. F. and K. R. French (1998) "Taxes, Financing Decisions and Firm Value" *Journal of Finance*, 53, 819-843.
- Glasser, W. (1998). Choice theory: A new psychology of personal freedom. New York, NY: Harper.
- Healy, P. M. And J. M. Wahlen, (1999), "A review of earnings management literature and its implications for standard setting", *Accounting Horizons*, Vol. 13 (4)(December), PP. 355-363.
- Heckman,J(1979). SAMPLE SELECTION BIAS AS A SPECIFICATION ERROR, *Econometrica*, Vol. 47, No. 1.
- Inaam, Z.G (2012). " Audit Quality and Earnings Management in the Tunisian Context". *International Journal of Accounting and Financial Reporting*. ISSN 2162-3082 2012, Vol. 2, No. 2.
- Jones, J., (1991), "Earnings management during import relief investigations", *Journal of Accounting Research*, Vol. 29. PP. 93-228.
- Kasznik, R., (1999), "On the association between voluntary disclosure and earnings management", *Journal of Accounting Research*, Vol. 37, PP. 57-81.
- Kothari, S. P., A. J. Leone, C. E. Wasley, (2005), "Performance matched discretionary accruals measures", *Journal of accounting and economics*, Vol. 39, PP. 163-197.
- MohammadRezaei,F. & Mohd-Saleh,N. (2016). The Effects of Audit Market Liberalisation and Auditor Type on Audit Opinions: The Iranian Experience *International Journal of Auditing*, 87-100.
- Myers, J. N., Myers, L. A. and Omer, C. T. (2003). "Exploring the Term of the Auditor-client relationship and the quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor rotation?" *The Accounting Review* ,Vol. 78, Issue 3, pp. 779-799.
- Scott, William, (2008), "*Financial Accounting Theory*" , Printice Hall, PP. 402-431.
- Trueman, B. & Titman, S., 1998. An explanation for accounting income smoothing. *Journal of Accounting Research*, 26 (1), 127-139.
- Watts, Ross L. and Jerold L. Zimmerman. (1990). "Positive accounting theory: A ten year perspective". *The Accounting Review*, 65,1 (January): 131-156.